



اسلام دین را پشتوانه اخلاق می‌داند/ آیا تنها دین می‌تواند پشتوانه اخلاق باشد

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به اینکه جامعه بی اخلاق، جامعه فاضله و سالم نیست، گفت: بنابراین جامعه بی اخلاق که دست ...

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به اینکه جامعه بی اخلاق، جامعه فاضله و سالم نیست، گفت: بنابراین جامعه بی اخلاق که دست به نسبی گرایی بزند و اخلاق را کنار بزند مانند این است که از منظر دین نتواند به سعادت حقیقی دست پیدا کند. دکتر قاسم پورحسن استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی در مورد مکاتب نسبی گرایی اخلاقی به خبرنگار مهر گفت: شاید از زمانی که با دیدگاه کانت در مورد اخلاق مواجه می شویم و اخلاق را در حوزه عمل و پراکسیس قرار دادیم نقدها نسبت به قطعیت درباب اخلاق آغاز شد. تصور این است که در آن زمان با توجه به تحولاتی که در سده هیجده و نوزدهم رخ داد نوعی نسبیت گرایی را در مورد اخلاق دامن زد. این نسبی گرایی البته تعاریف متفاوتی دارد.

وی افزود: نسبی گرایی در نگاه اول از آن به عنوان لغزیدن تمامی پایه های اخلاق تصور می کنیم نیست بلکه این نسبیت بیشتر یم نسبیت معنوی است. به این معنا که امروزه سه رویکرد اساسی درباب اخلاق داریم. یکی رویکرد حداکثر گرایانه دیگری رویکرد اعتدال گرایانه و یکی هم رویکرد حداقل گرایانه است. بسیاری معتقد هستند که ما باید نسبی گرایی در اخلاق را تنها در رویکرد حداقل گرایانه جستجو کنیم. در نگاه حداکثر گرایانه همه حوزه ها و در همه موقعیت ها انسان مکلف به امر اخلاقی است نمی تواند اخلاق را بر اساس مواقع، موقعیت ها و وضعیت ها یا منافع خودش تعریف کند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه تصریح کرد: اما در نگاه حداقل گرایانه انسان مکلف است که تنها در اموری دست به امر اخلاقی بزند که ضدیتی با منافع و وضعیت و علقه های او نداشته باشد. بنابراین وقتی می گوئیم نسبی گرایانه اینگونه نیست که بگوئیم از کانت به بعد تمامی مکاتب و رویکردهای در حوزه اخلاق دچار نسبی گرایی شدند. این نکته مهمی است که باید به آن توجه داشت. نکته دوم این است که بعضی ها معتقدند که اخلاق در دوره جدید که با سکولاریسم در پیوند است به طور کلی سکولاریسم که متوجه مناسبات محض بشری است نمی تواند از بنیان های مطلق و قطعیت در باب اخلاق دفاع کند.

پورحسن یادآور شد: بنابراین طبق این دیدگاه تنها مکاتبی که قائل به دین هستند سرچشمه ها و منشأ اخلاقی دین باشد می تواند از قطعیت دفاع کنند. بقیه مکاتب را با توجه به این پیوندی که میان اخلاق و سکولاریسم وجود دارد را در دوره جدید و مدرنیته و وضع مدرن باید به نسبی گرایی تعریف کنیم. بنابراین این دو نکته باید مورد توجه قرار بگیرند. علیرغم این مسئله امروزه نزاعهای شدیدی در باب نسبیت وجود دارد که آیا همه انحاء نسبی گرایی امری سلبی و قابل سرزنش و نقد است یا اینکه خیر در بعضی از امور باید به نسبی گرایی تن دهیم.

این نویسنده و مترجم در مورد نتایج اجتماعی نسبی گرایی اخلاقی هم تصریح کرد: سه لازمه مهم در باب نسبی گرایی رخ داده است. یکی منفعت محوری است یعنی شما بر دایر مدار منفعت دست به امر اخلاقی می زنید. لازمه آن این است که در باب اینکه او انسان است به او نگاه نمی کنید بلکه از باب اینکه چه پیوندی منفعت با ما دارد به او نگاه می کنید. اینکه جامعه انسانی است به او نگاه نمی شود این مسئله البته در حوزه سیاسی هم گسترش پیدا کرده است. شما وقتی نگاه می کنید کشورها بر حسب منافع و علائق خود به انسان ها نگاه می کنند و نه از باب اینکه او انسان است لذا حکم و داوریشان چنین است.

وی افزود: یکی از مسائلی که امروزه وجود دارد در باب تحریمها است آیا مجاز هستیم انسان های زیادی را تحت فشار زندگی قرار دهیم و آنها را از حقوق عادی اشان محروم کنیم از باب اینکه کشوری هم پیمان و همراه منافع و علایق ما نیست این مسئله یک بحث حقوقی مهمی است که اتفاقاً در این باب وجود دارد.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه تصریح کرد: دومین ثمره ای که نسبی گرایی می تواند داشته باشد گذرا بودن است. یعنی می تواند امری در زمان و موقعیتی ارزش باشد و در موقعیتی این ارزش را از دست بدهد. اگر بنیان درست و ثابتی در مورد هنجارهای رفتاریمان نداشته باشیم نمی توانیم هیچ پایه صحیحی را برای تعریف اخلاق ارائه دهیم. بنابراین سیلان بودن، گذرا بودن، تغییر پذیر بودن سبب می شود که جامعه انسانی نتواند برای هنجارها و ارزش ها تعریف درستی ارائه کند کاملاً موقعیت مند باید دست به امور زد. می تواند امری را که تا دیروز ارزشی و هنجاری بود امروز فاقد ارزش یا ضد ارزش باشد.

پورحسن عنوان کرد: یا در جامعه ای ارزش باشد و در جامعه دیگری می تواند ضد ارزش باشد و لازمه سوم که از نسبی گرایی اخلاقی سرچشمه می گیرد جدا شدن اخلاق از دین و امور وحیانی است. اگر دین را منشأ و پشتوانه اخلاق ندانیم به قول شهید مطهری این مسئله وجود دارد پس چه چیزی می تواند پشتوانه اخلاق قرار بگیرد. اگر به نسبی گرایی اخلاقی دامن بزنیم باید پشتوانه مهم و

نیرومندی به نام دین را توجه کنیم و این مسئله یکی از لوازم مهم نسبی‌گرایی در اخلاق است.

این نویسنده و مترجم در مورد اینکه دیدگاه اسلام به نسبی‌گرایی اخلاقی و جهانشمول بودن اصول اخلاقی چیست هم یاد آور شد: اولاً اسلام دین را پشتوانه اخلاق می‌داند نه اینکه اخلاق را محکوم بداند بلکه دین را پشتوانه اخلاق می‌داند. پیامبر اکرم(ص) برای تکمیل اخلاق و تقدیر اخلاقی مبعوث شدند و جامعه انسانی دایر مدارش بر اخلاق است. پشتوانه اخلاق باید دین باشد برای اینکه پشتوانه مهم‌تری که بتواند به همه حقایق و همه انحاء نیازهای بشری توجه کند و انسانها را دستور به امر اخلاقی بدهد انسانها را مکلف به امر اخلاقی کند غیر از این وجود ندارد.

پورحسن بیان داشت: بنابراین دین سعادت و حقیقت و نجات را برای جامعه می‌آورد می‌تواند انسانها را به آن توجه دهد و به انسانها دستور بدهد. ثانیاً دین جامعه بی‌اخلاق را جامعه بی‌دین هم می‌داند. بنابراین اگر جامعه‌ای به نسبی‌گرایی از رویکرد حداقل‌گرایانه روی بیاورد مانند این است که اخلاق را کنار زده است. دین تأکید می‌کند که جامعه بی‌اخلاق جامعه بی‌دین است، جامعه بی‌مبدأ و بی‌مقصد و بی‌سعادت است. سعادت انسانها پیوندی با امور اخلاقی دارد.

این نویسنده و مترجم در پایان یادآور شد: یعنی جامعه بی‌اخلاق، جامعه فاضله و سالم نیست جامعه‌ای بدون دستیابی به سعادت است. بنابراین جامعه بی‌اخلاق که دست به نسبی‌گرایی بزند و اخلاق را کنار بزند مانند این است که از منظر دین نتواند به سعادت حقیقی دست پیدا کند.